

## جدول ۱: انواع تعارض

پراکنده	نقطه	فاصله از مرکز قدرت
شورش/طغیان (اغلب برسر منابع کشاورزی یا آب)	کنترل دولتی/کودتا	بدون فاصله
زمین در دره‌هایی با آبیاری خوب	مس عینک (تأخیر در استخراج، میدین نفت و گاز شمال، دور از پایتخت، اما به راحتی قابل دسترسی)	افغانستان
جنگ سالاری	جدایی (یا خودمختاری محلی / منطقه‌ای)	فاصله
سنگ‌های قیمتی تریاک	سنگ لاجورد زغال سنگ طلا کرومیت	افغانستان

منبع: اقتباس از کتاب «بوم‌شناسی سیاسی جنگ: منابع طبیعی و درگیری‌های مسلحانه» نوشته فیلیپ لوبیلون، جغرافیای سیاسی ۲۰ (۲۰۰۱)، صص ۵۶۱، ۸۴. نمونه‌ها و نظریات براساس برآوردهای نویسندگان است.

با پیوند دادن این جدول با تعریف اسنایدر از غارت‌پذیری می‌توان منابع معدنی در ربع پایین سمت چپ (پراکنده، دور از مرکز قدرت) را غارت‌پذیر توصیف کرد. در حالی که منابع معدنی در ربع بالا سمت راست (منبع نقطه‌ای، نزدیک به مرکز قدرت) غیر قابل غارت هستند. منابع در ربع پایین سمت راست (منبع نقطه‌ای، دور از مرکز قدرت) در اغلب موارد غیر قابل غارت هستند، هر چند ذخایر نقطه‌ای پراکنده مواد معدنی ارزش بالایی دارند و به راحتی قابل استخراج هستند. ربع بالای سمت چپ هم ظاهراً عمدتاً منابعی را در خود جای داده است که به راحتی قابل غارت نیستند. (۹)

به دنبال تحلیل لوبیلون می‌توان انواع مختلف تضادها را با ربع‌های مختلف در جدول دو به دو تطبیق داد. با توجه به فقدان جنبش‌های جدایی طلبانه جدی در تاریخ افغانستان درگیری‌های ایجاد شده منابع در ربع پایین راست (تمرکز نقطه، دور از مرکز قدرت) باید فراتر از جدایی کامل گسترش یابند و شامل درگیری‌هایی شوند که هدفشان ارتقای خودمختاری منطقه‌ای و محلی، اما کوتاه مدت است، اما برای تجزیه کشور تلاش نمی‌کنند. منابع در افغانستان که از مرکز قدرت دور هستند، خواه منبع نقطه‌ای خواه پراکنده باشند که در نیمه پایین جدول نشان داده شده‌اند، ممکن است برای طالبان و دیگر عناصر ضد دولتی که فراتر از خودمختاری منطقه‌ای یا محلی برای کنترل کشور هم یکدیگر رقابت می‌کنند منابع مالی ایجاد کنند.

نکته جالب اینکه منابع نقطه نزدیک (ربع بالا سمت راست) و منابع نزدیک اما پراکنده (ربع بالا سمت چپ) چشمگیرترین منابع درگیری در افغانستان نبوده‌اند. در نهایت جنگ سالاری توصیف مناسبی از بسیاری از ترتیبات استخراج و درگیری‌های مرتبط با آنها در افغانستان است. همان‌هایی که در ربع پایین سمت چپ و جدول قرار دارند و نیز درگیری‌های دیگر.

گسترش این چهار چوب مفهومی به دو نکته مهم دیگر منجر می‌شود. اولاً منابعی که در مقادیر کم قابل غارت هستند، ممکن است زمانی که به مقادیر زیاد مربوط می‌شوند (به تعبیر اسنایدر) غیر قابل غارت شوند، زیرا استخراج، حمل و نقل و صادرات مقادیر زیاد